



شجره طیبہ امامزاده

علی بن جعفر علیه السلام

غلامرضا گلی زواره

چکیده:

علی بن جعفر فرزند امام صادق علیه السلام در میان علویان و سادات از منزلت والایی برخوردار است. وی در قلمرو حدیث مورد وثوق است و روایات متعددی از برادر خود، امام کاظم علیه السلام نقل کرده که در کتابی به نام مسائل علی بن جعفر آمده است. ایشان با وجود مقام علمی و معنوی و اقتدار اجتماعی، به دلیل آن که مقام امامت به نواده برادرش، امام جواد علیه السلام تفویض گردیده بود، در برابر امام نهم به شدت تعظیم می کرد و در تکریم و تجلیل مقام آن حضرت اهتمام می ورزید. علی بن جعفر برای مبارزه با ستمگران در قیام ابوالسرایا و جنبش برادر خود، محمد دیباج شرکت داشت. نسل او از طریق چهار فرزندش و نیز احفاد آنان در جهان اسلام پراکنده اند. این امامزاده به دلیل سکونت و نشو و نما در دهکده عریض از توابع مدینه به عریضی موسوم است. زمان رحلتش را بین ۲۱۰ تا ۲۴۰ هجری نوشته اند و در مورد محل دفنش بین مورخان و نسب شناسان اختلاف وجود دارد و محل مرقدش را در عریض مدینه، قم و سمنان ذکر کرده اند.

کلید واژه ها:

عریض مدینه، امام صادق علیه السلام، امام جواد علیه السلام، محمد دیباج، درب بهشت قم.

مقدمه

در خصوص خصال ششمین فروغ امامت «حضرت صادق علیه السلام» باید گفت: مدح تعریف است و تخریب حجاب فارغ است از شرح و تعریف آفتاب مادح خورشید مداح خود است که دو چشمم روشن و نامرمد است^۱ اگرچه که تمام ائمه هدی پاسدار و مروّج معارف قرآن و سنت نبوی هستند ولی امام صادق علیه السلام در عصری که تمام علما و فضلا از فرق و ادیان و حکما و متکلمان از هر مذهب و نحله‌ای در نشر آثار و افکار خود اصرار می‌ورزیدند، با تأسیس دانشگاه و کانون‌های علمی و فرهنگی در مدینه و عراق و تربیت شاگردانی شایسته، نخبه و مومن^۲ از قله امامت چشمه‌های باصفایی جاری ساخت که حتی قرن‌ها بعد تشنگان معارف ناب از آن جرعه‌های جان‌بخشی نوشیدند، از این روی حتی مخالفان و آن‌ها که بر شیعیان انتقادهایی وارد کرده‌اند جامعیت آن امام همام را در کمالات علمی و معنوی ستوده‌اند.^۳ و احمد امین مصری هم نمی‌تواند این

پرتوافشانی را انکار کند.^۴

صادق آل محمد با وجود این عظمت علمی و علو مقام در فضایل و مکارم عالی از تشکیل خانواده غفلت ندارد و علی‌رغم آن همه تکاپوی فکری و تربیتی و آموزشی، همسرانی برمی‌گزیند که حاصل ازدواج با آن‌ها یازده فرزند است. اسماعیل اعرج و عبدالله افطح و دختری به نام ام‌فروه از بانویی به نام فاطمه دختر حسین بن علی بن حسین است^۵، همسر دوم امام حمیده مصفات نام داشت که دختر صاعد بربری اندلسی است، این کنیز مادر امام کاظم علیه السلام، اسحاق موتمن، محمد دیباج و فاطمه کبری است و آن وجود بزرگوار کنیزهای دیگری را به عنوان همسر خود برگزیدند که عباس، علی، فاطمه صغری و اسماء از این امّ ولدها زاده شده است.^۶ نسل حضرت صادق علیه السلام از پنج فرزندش به نام‌های امام کاظم، اسماعیل، علی عریضی، محمد و اسحاق ادامه یافت.^۷ بعد از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشهورترین امامزاده از نسل امام ششم،

علی عریضی است که ضمن آراستگی به خصال عالی و برخورداری از بصیرت ویژه در تبعیت از مقام امامت، نسل لایق و باکفایتی را از خود باقی گذاشت که به همراه احفادشان در جهان اسلام کارنامه‌ای درخشان از خود به یادگار نهادند و مرقد آنان کانون فضیلت و معنویت می‌باشد.

عریض، زادگاه علی بن جعفر علیه السلام

دهکده عریض بر وزن زیر و قریه‌ای در چهار میلی مدینه و به عبارتی واقع در هشت کیلومتری این شهر بوده است. مالکیت اصلی آن، متعلق به حضرت امام باقر علیه السلام بود که وصیت کرد، در اختیار فرزندش حضرت صادق علیه السلام قرار گیرد. امام ششم نیز در آستانه شهادت، آن را به کوچک‌ترین فرزند خود علی بخشید.^۸ زبیدی در تاج‌العروس می‌گوید: عریض دره‌ای در حوالی مدینه منوره است که در منابع روایی هم نام آن دیده می‌شود و ابوالحسن علی بن جعفر به آن جا منسوب می‌باشد، زیرا او و

فرزندانش در آن جا سکونت کردند و به عریضی معروف گردیدند. آنان جماعت قابل توجهی بوده و تعدادشان در منطقه افزایش یافته است.^۹ یاقوت حموی عریض را تصغیر عرض دانسته است و افزوده است این مکان یکی از وادی‌های مدینه است.^{۱۰} مورخان دیگر خاطرنشان نموده‌اند عریض واقع در یک فرسخی مدینه ملک جناب علی عریضی، محل ولادت و کانون نشو و نما و تربیت ایشان و سکونت وی و ذریه‌اش می‌باشد. به همین دلیل فرزندان، نوادگان و احفادش را عریضی نامیده‌اند.^{۱۱}

عریض اگرچه قبلاً در شرق مدینه و در فاصله ۵ کیلومتری قبرستان بقیع قرار داشته است ولی امروز بر اثر گسترش و توسعه شهر مذکور در حاشیه شهر قرار دارد و از نزدیکی آن بزرگراه فرودگاه شهر عبور می‌کند، سیمای معماری روستا متحول گردیده و چهره‌ای شهری به خود گرفته است، اما مسجد کهن علی بن جعفر در آن، همچنان برقرار بود که در سال‌های

اخیر وهاییان دربها و پنجره‌های این مسجد را مسدود کرده‌اند و چون این مکان عبادی به مزار علی بن جعفر متصل است، با هدف منع زیارت آن مرقد به چنین اعمالی روی آورده‌اند.^{۱۲}

ولادت، نشو و نما و علم آموزی

در منابع رجال و روایی، زمان تولد این امامزاده مشخص نگردیده است اما عده‌ای از مورخان و شرح حال‌نگاران تأکید کرده‌اند، زمانی که پدرش حضرت امام صادق علیه السلام به شهادت رسیده او خردسال بود، برحسب قرائنی می‌توان گفت او در سال ۱۴۶ هجری از مادری به نام امّ ولد در دهکده عریض چشم به جهان گشود. ایشان این افتخار را داشت که سال‌های نخستین حیات دنیوی خود را در محضر منور ششمین فروغ امامت بگذرانند اما دو ساله بود که حادثه‌ای اسفناک روح این طفل را آزوده و مشوش ساخت، چرا که در ۲۵ شوال المکرم ۱۴۸ هجری پدرش حضرت صادق علیه السلام بعد از ۳۴ سال امامت در ۶۵ سالگی با دسیسه منصور

دوایتی مسموم و به شهادت رسید. برخی منابع نوشته‌اند علی بن جعفر از پدر خود احادیثی را روایت کرده است اما در صورتی این سخن درست به نظر می‌رسد که او در زمان حیات پدر حداقل جوانی بیست ساله بوده باشد. ابن عنبه که نسب‌شناس برجسته‌ای می‌باشد، می‌نویسد: «و هو اصغر ولد ایه مات ابوه و هو طفل؛ او از اولاد کوچک‌تر پدرش بود و هنگامی که رحلت پدر فرا رسید طفلی بیش نبود.»^{۱۳}

ابی نصر بخاری از اعلام قرن چهارم هجری که نوشته‌هایش مورد استناد رجال‌نگاران و نسب‌شناسان می‌باشد نوشته است: «اما ابوالحسن علی بن جعفر... کان اصغر اولاد الصادق علیه السلام لم یره اباه و لم یره عنه؛ علی فرزند جعفر کوچک‌ترین اولاد امام صادق علیه السلام بود که پدر خود را درک نکرد و از او احادیثی روایت ننموده است.»^{۱۴}

شیخ مفید هم اشاره‌ای به این موضوع ننموده که او از پدرش روایت کرده است و این که تصریح می‌نماید



مسجد علی عریضی در عریض نزدیکی مدینه قبل از تخریب به دست وهابیه ها

وقف میراث جویباران
شماره ۸۸ زمستان ۱۳۹۳

۱۴۳

ملازم برادرش امام کاظم علیه السلام بوده،^{۱۵} موید آن است که در زمان رحلت پدر، کودکی بیش نبود و تحت مراقبت و تربیت برادرش بوده است. علامه مجلسی هم می‌نویسد: «علی بن جعفر العریضی نشأ فی تربیه اخیه؛ علی فرزند جعفر با تربیت‌های برادرش به رشد و شکوفایی رسید.»^{۱۶}

صاحب صحاح الاخبار یادآور شده است: «انّ ابالحسن علی العریضی بن جعفر الصادق علیه السلام اصغر ولد ایه، مات ایه و هو طفل؛ به درستی که علی عریضی فرزند جعفر صادق علیه السلام کوچک‌ترین فرزند والدش بود و هنگامی که رحلت پدرش فرا رسید، طفلی بیش نبود.»^{۱۷} عباس فیض متذکر گردیده است: علی بن جعفر، از همه برادران خود، کهنتر و هنگام رحلت پدر بزرگوار خود، به سال ۱۴۸ هجری طفلی دوساله بود که تحت تکفل و حمایت برادر مهتر خود امام کاظم علیه السلام به مرحله رشد و کمال رسید.^{۱۸}

استاد عزیزالله عطاردی از حدیث پژوهان معاصر که مسند ائمه را

تدوین و تبویب نموده است به نوشته ذهبی و ابن حجر عسقلانی از مورخان اهل سنت اشاره دارد که گفته‌اند علی فرزند امام صادق علیه السلام از پدر خود، روایت کرده است، آن گاه خاطرنشان می‌نماید این که علی را راوی پدرش معرفی کرده‌اند مورد تأمل است زیرا همان طور که قبلاً از علمای انساب نقل کردیم وی کودک بود که پدرش دار فانی را وداع گفت.^{۱۹}

در مقابل این مدارک و مستندات، مآخذی دیگر تصریح نموده‌اند علی بن جعفر هنگام شهادت پدر حداقل دوران پس از بلوغ را می‌گذرانیده است، در روایتی از فیض فرزند مختار آمده است روزی در محضر امام صادق علیه السلام از امام پس از ایشان سخن به میان آمد، حضرت از جای خویش برخاست و پرده‌ای را که آن‌جا آویخته بود، کنار زد و بعد از لحظاتی مرا فراخواند و فرمود: ای فیض، داخل شو، در این هنگام حضرت موسی بن جعفر در حالی که پنج ساله بود و تازیانه‌ای در دست داشت، وارد

گرددید. امام صادق علیه السلام این کودک را بر روی زانوی خویش نشانید و گفت: پدر و مادرم قربانت، این تازیانه را برای چه در دست گرفته‌ای؟ ابوالحسن (امام کاظم) گفت: برادرم علی را دیدم که با این وسیله حیوانات را آزار می‌داد و تازیانه را از دست او گرفتم.^{۲۰} از این ماجرا مشخص می‌گردد در آن زمانی که امام هفتم پنج ساله بوده، علی با او تفاوت سنی آن چنانی نداشته است، زیرا می‌توانسته تازیانه به دست گیرد و امام کاظم علیه السلام موقعی که امام ششم به شهادت رسیده جوانی بیست ساله بوده است. علی بن جعفر در این هنگام سنین هجده یا نوزده سالگی را می‌گذرانیده است.

علامه مامقانی هم تصریح نموده است: اگر بخواهیم بپذیریم علی بن جعفر علیه السلام از والد ماجدش روایت نقل کرده است، نمی‌توانیم قول مولف تاریخ قم و صاحب مستدرک الوسائل را قبول کنیم که علی هنگام شهادت پدر طفلی کوچک بوده است و معمولاً او در هنگام وقوع این

ضایعه باید شانزده ساله یا بیست ساله باشد.^{۲۱}

علامه اسد حیدر می‌نویسد: محمد بن ولید می‌گوید: شنیدم علی بن جعفر فرزند امام صادق علیه السلام می‌گفت شنیدم پدرم جعفر بن محمد علیه السلام خطاب به عده‌ای از اصحاب خاص و گروهی از شیعیان فرمود توصیه من درباره فرزندم موسی علیه السلام را پذیرا باشید، زیرا او برترین فرزندان و یادگاران من است، او جانشین من و حجت خدای تعالی بر تمامی مردم پس از من خواهد بود. شیخ مفید نیز گروهی را نام می‌برد که نصوصی را از امام صادق علیه السلام درباره امام هفتم نقل کرده‌اند که در میان آنان اسحاق و علی دو برادر امام کاظم علیه السلام دیده می‌شوند.^{۲۲}

احمد بن ابی عبدالله برقی و شیخ طوسی نیز علی بن جعفر را از اصحاب و راویان پدرش برشمرده‌اند.^{۲۳} کنیه علی بن جعفر ابوالحسن بوده و در منابع تاریخی، رجالی و روایی وی را مدنی، هاشمی، حسینی و علوی خوانده‌اند. اما مشهورترین لقب برایش

عریضی است. زیرا در دهکده عریض نشو و نما یافته است. علی بن جعفر پیوسته ملازم برادرش حضرت امام کاظم علیه السلام بود و از آن جناب معارف و کمالات اعتقادی و شرعی را می‌آموخت و محصول این تعالیم کتاب مسائل علی بن جعفر است. او در روش زندگی، زهد و وارستگی نیز برادر را اسوه خود قرار داد. ثقة الاسلام کلینی روایت کرده است محمد بن حسن بن عمار می‌گوید من ده سال در مدینه خدمت علی بن جعفر بودم و از او احادیثی را فرا می‌گرفتم که از برادرش ابوالحسن امام کاظم علیه السلام آموخته بود.^{۲۴} به گفته شیخ مفید، علی در احکام شرع مقدس و اصول دین، محضر برادرش را غنیمت می‌شمرد و در این راستا کوشا بود و جدیت به خرج می‌داد و پاسخ‌های مسائل گوناگونی را روایت کرده است که شخصا از آن بزرگوار، بدون واسطه شنیده بود.^{۲۵} علی بن جعفر می‌گوید: همگام با برادرم که خانواده‌اش نیز با او بودند، این توفیق را به‌دست آوردم که چهار مرتبه به حالت

پیاده به سفر عمره مشرف گردیدم.^{۲۶} برخی مدارک متذکر گردیده‌اند این امامزاده حدود ۳۶۰ حدیث از برادر خود، امام هفتم نقل کرده است.^{۲۷} در همین ایامی که علی بن جعفر تحت تعالیم و انوار معنوی برادر خود راه رشد و شکوفایی شخصیت خود را به عنوان امامزاده‌ای عالم و زاهد، طی می‌کرد. با راهنمایی‌های امام هفتم، فاطمه کبری دختر محمد بن عبدالله فرزند امام زین العابدین علیه السلام را به عنوان همسر خود برگزید.^{۲۸}

پاره‌ای منابع، علی بن جعفر مذکور را با علی فرزند جعفر که وکیل امام هادی بوده است، یکی گرفته‌اند. علی وکیل از قریه همینیا (جزو توابع بغداد) بود، درباره‌اش به متوکل گزارش‌هایی دادند، به دنبال آن وی را دستگیر و محبوس نمودند. او مدت طولانی در زندان به سر برد و زمانی که از حبس رهایی یافت، به دستور امام علی النقی علیه السلام راهی مکه گردید و در این دیار مقدس اقامت گزید. امام هادی علیه السلام در تأیید موقعیت و مقام وی

خصال، فضایل و مکارم

علی بن جعفر امامزاده‌ای باجلالت و برخوردار از شرافت و فضیلت بوده است و در وثاقت و مورد اعتماد بودنش، در نقل حدیث، هیچ کسی تردید نکرده است و این که او محدثی عالی قدر و مورد وثوق بوده و احادیثی از برادر و فرزند برادر خود نقل کرده است، از معرفت و فضل او حکایت دارد. علی بن جعفر سیدی وارسته، ارجمند و غیور بود و با وجود این که از نظر مردم زمینه‌هایی در وی وجود داشت که مدعی امامت گردد، نه تنها به امامت برادر و فرزند برادر خویش گواهی داد بلکه امام جواد علیه السلام را که نوجوانی بیش نبود، به رغم آن که وی ایام کهن سالی را سپری می کرد، مورد تأیید قرار داد. او یکی از مفاخر علمی و در زمره محدثان پرهیزکار، در میان فرزندان ائمه هدی به شمار می آید که رجال‌نگاران ضمن این که از ایشان به عنوان عالم کبیر و ثقه جلیل‌القدر سخن گفته‌اند؛ تأکید نموده‌اند این بزرگوار در وارسستگی و پارسایی در چنان قله

در برابر یکی از روسای غلات به نام فارس بن حاتم قزوینی، نامه‌هایی در پاسخ سوالات برخی اصحاب نوشته‌اند، یکی از این مکتوبات در سال ۲۴۰ هجری تحریر گردیده است.^{۲۹} حتی وقتی اختلاف میان فارس بن حاتم و علی بن جعفر یاد شده اوج گرفت، امام فرمان داد این غالی منحرف را تکذیب و حتی هتک کنند و در منازعه مزبور جانب علی بن جعفر را گرفته و از اصحاب خویش خواست فارس را طرد نمایند، افزون بر این امام دستور داد این فرد افراط‌گو و بدعت‌گذار را به قتل برسانند و برای قاتل او بهشت را تضمین کردند که جنید نامی، از شیعیان با دریافت فرمان امام حاتم را کشت.^{۳۰} امام هادی علیه السلام در پاسخ نامه موسی فرزند جعفر فرزند ابراهیم نوشت: خدا مقام علی بن جعفر وکیل را والا قرار داده است، خداوند سبحان ما را بازداشته از این که او را با دیگری مورد سنجش قرار دهیم. در مشکلات خود و نیازهایی که داری نزد علی بن جعفر برو و از فارس بن حاتم پرهیز کن.^{۳۱}

رفیعی قرار دارد که حتی دو نفر درباره فضایلش با یکدیگر اختلافی ندارند و عظمت مقام و کمالاتش مورد اتفاق تمام صاحب نظران می باشد. بنابراین علی بن جعفر شرافت نسب و طهارت خانوادگی را با معرفت، بصیرت، تقوا و صحت عقیده توأم ساخته بود.^{۳۲}

مهم ترین فضیلت علی بن جعفر، موضوع امام شناسی اوست و این که تسلیم امر ولایت است و برای امام معصوم مقام ویژه ای قائل است. وی این موضع گیری و اعتقاد را در هنگامه ای از خود بروز می دهد که فرقه های گوناگون و افکار انحرافی علیه پایگاه امامت صف بندی کرده اند. دستگاه خلافت هم با نیرنگ های گوناگون درصدد است تا جامعه را از بیت امامت جدا سازد و حامیان، یاوران و اصحاب ائمه را تهدید و دربند نماید. آشفتگی ها به حدی است که حتی برخی افراد پیوسته به خاندان امامت، از نظر نسب و قرابت خانوادگی، با این توطئه ها، علیه کانون امامت همکاری دارند. عده ای از علویان که

متأسفانه در قیام ها و جنبش های ضد دشمن حضوری فعال داشتند و چه بسا والدین یا اقارب آنان به دست دژخیمان عباسی کشته شده بودند، اکنون برای رسیدن به مقام و منصب و یا ثروت و تکاثر طلبی در دام فتنه هایی که علیه دستگاه امامت صورت می گرفت گرفتار شده بودند.^{۳۳} نمونه این ها محمد بن اسماعیل بن جعفر است که وقتی عازم بغداد بود نزد امام کاظم آمد و خطاب به حضرت عرض کرد: اگر سفارشی دارید می شنوم. امام علیه السلام فرمود: درباره خون من از خدا بترس و چندبار این موضوع تکرار گردید و هر بار محمد به بدخواه امام نفرین می کرد. امام کاظم علیه السلام توسط برادر خود علی عریضی، چندین کیسه زر که هر کدام حاوی صد دینار بود به وی تسلیم کرد، این کمک ها به قدری قابل توجه بود که علی عریضی را شگفت زده کرد و خطاب به برادر خود عرض کرد: اگر از تصمیم او خوف داری پس چرا این گونه وی را امداد می نمایی. امام علیه السلام فرمود: هرگاه من به او پیوندم و او

توأم ساختن محبت و معرفت با اطاعت از امام معصوم

وقتی موضوع امام شناسی به میان می آید، منظور شناخت آن وجود مبارک به لحاظ سیمای ظاهری و ویژگی های زیستی، هم چنین شناسایی امام به لحاظ نسب و نژاد، نمی باشد که عده ای از معاشران، اهل محل و مورخان از موافق و مخالف در این باره آگاهی هایی ارائه می دادند. علی بن جعفر ضمن این که درباره ویژگی های مذکور اطلاعات جامعه و گسترده ای داشت در مرتبه ای فراتر از این امور، امام عصر خود را می شناخت و معتقد بود این وجود مبارک در امور دین و دنیای مردم و طی طریق سعادت جامعه، رهبر و پیشوا می باشد. تعلیمات امام پرتو راه نجات و باعث صعود به مقامات عالی و معنوی است و موجبات سعادت دنیوی و اخروی را فراهم می سازد. معرفت او درباره امر امامت یک اعتقاد پاک درونی و ایمانی قلبی بود که راه سلوک به سعادت را برایش ترسیم کرده بود و هیچ عاملی

بخواهد از من فاصله بگیرد، خداوند متعال رشته زندگیش را قطع می کند، امام کیسه ای حاوی سه هزار درهم خالص برگرفت و تحویل علی، برادر خود داد تا وی به محمد بن اسماعیل تقدیم کند، علی عریضی می گوید: گمان کردم او با گرفتن این کیسه های حاوی مقادیر قابل توجهی زر و درهم خالص، دیگر عازم بغداد نخواهد گردید، ولی او راه خود را پیش گرفت و نزد هارون رفت و ضمن پذیرش خلافت آن خلیفه غاصب، به وی سلام کرد و گفت من تصور نمی کردم بر روی زمین دو نفر مدعی امر خلافت باشند تا آن که به چشم خود دیدم مردم به عمویم موسی بن جعفر علیه السلام به عنوان خلیفه جامعه اسلامی، سلام می کنند و او را تکریم و تعظیم می نمایند. هارون را از این سخن فتنه انگیزانه وی خوش آمد و برایش کیسه ای حاوی یکصد هزار درهم ارسال کرد ولی قبل از این که اموال مذکور به دست او برسد درگذشت و حتی موفق نشد درهمی از آن را به مصرف برساند.^{۳۴}

وی را از این مسیری که برگزیده بود، باز نمی داشت. ارادت صمیمانه و خالصانه علی بن جعفر یک علاقه ساده و عاطفه‌ای عادی نبود بلکه این ارتباط قلبی که بر اثر اطاعت او از فرامین الهی و تزکیه و تصفیه درون و روشنی دل و ذهن به وجود آمده بود وسیله‌ای برای جلب و جذب معنویت امام و فروغ گرفتن از خورشید منور امام بود. روح وارسته‌اش با جاذبه‌ای از محبت امام به سوی کمالاتی گام برمی داشت، در عین حال این ارادت عمیق او درباره امام معصوم، جهت‌گیری‌هایش را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ترسیم می کرد. در واقع محبت او در حق امام یک دعوی ظاهری نبود و از خضوع کردن در برابر امام و به جای آوردن خواسته‌های او و اطاعت از فرامین وی حکایت داشت. علی بن جعفر با چنین نگرش و اعتقادی، امامت برادر خود را از اعماق وجود پذیرفت و به دفاع از پایگاه امامت فروغ هفتم پرداخت. بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ هجری عده‌ای چنین تصور کردند

که آن حضرت از دنیا نرفته است و خداوند او را به آسمان برده و در هنگام قیامی جهانی که گیتی را آکنده از عدل و داد خواهد کرد، دوباره به زمین باز می گردد. این فرقه به واقفیه موسوم گردیدند، اعتقاد به مهدویت امام کاظم علیه السلام سبب پیدایش انحرافات در جامعه گردید که سرگردانی‌هایی در میان عده‌ای از مردم به وجود آورد و شخصی از غلات به نام محمد بن بشیر از این وضع آشفته سوءاستفاده کرد و فرقه‌ای به نام مبطوره را به وجود آورد که به حلول و تناسخ عقیده داشت و محرمات را مباح تلقی می کردند. البته چنین انحرافی تأثیری در اصل تشیع نداشت.^{۳۵} در این اوضاع نگران‌کننده علی بن جعفر به دلیل اعتقادات سالم و پاکی که داشت و نیز تربیت گردیدن در مکتب امام هفتم، تحت تأثیر این فرقه‌های منحرف واقع نشد و امامت بر حق فرزند برادر خود، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را پذیرفت و از مدافعان راستین و جدی آن فروغ هشتم امامت بود و هنگام افاضه

علمی در جمع عده‌ای از اصحاب و خواص شیعیان، روایت برادر خود، امام کاظم علیه السلام را درباره منصب امامت حضرت امام رضا علیه السلام نقل نمود. حسن بن فضال گفته است از علی فرزند امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌گفت در محضر برادرم، امام هفتم بودم در حالی که او جانشین پدرم در امامت و حجت خداوند متعال بر روی زمین بود، در این میان شاهد کردم فرزندش علی وارد شد و برادرم مرا مخاطب قرار داد و فرمود ای علی، این پسر صاحب امر امامت و ولی امر توسست و همان گونه که من جانشین پدرم امام صادق بوده‌ام، وی جانشین من می‌باشد و امر امامت جامعه مسلمین به ایشان سپرده می‌شود؛ خداوند تو را در دیانت او استوار بدارد، من در آن حال گریه کردم و با خودم زمزمه نمودم سوگند به خداوند متعال این سخن از شهادت آن حضرت خبر می‌دهد، امام کاظم علیه السلام افزود: ای علی، حکم پروردگات درباره من جاری می‌گردد، علی بن جعفر می‌گوید: آن حضرت سه روز قبل

از این که هارون الرشید دوباره او را دستگیر نماید این سخنان را فرمودند.^{۳۶} در روایت دیگری که علامه مجلسی در بحار الانوار با ذکر سلسله سند آن، ذکر کرده است آمده است علی بن جعفر نقل کرده است: فردی بر برادرم، امام کاظم علیه السلام وارد گردید و گفت جانم فدایتان بعد از شما صاحب امر (امام معصوم) کیست، برادرم فرمود: «أَمَّا أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ بَعْدَ مَوْتِي فَيَقُولُونَ هُوَ الْقَائِمُ وَمَا لِقَائِهِ إِلَّا بَعْدِي سَنِينَ؛ بعد از رحلت من، آنان فتنه به وجود می‌آورند و می‌گویند او [یعنی امام کاظم] قائم آل محمد است، در حالی که قائم (مهدی امت) سال‌ها بعد از من خواهد آمد.»^{۳۷} در این بیان نورانی و گوهرافشانی، امام هفتم از روی اعجاز و کرامت، موضوع پیدایش فرقه واقفیه را پیش‌بینی کرده‌اند و به امثال علی بن جعفر و خواص یاران خویش هشدار داده‌اند، از این مرداب‌های انحراف و ضلالت اجتناب ورزند و امامت حضرت رضا علیه السلام را قبول کنند و او هم اطاعت کرد.

زکریا فرزند یحیی متذکر گردیده است: زمانی شنیدم که علی فرزند امام صادق علیه السلام خطاب به حسن فرزند حسین بن علی بن الحسن می گفت: خداوند متعال ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را مورد حمایت قرار داد در زمانی که برخی برادران و عموهایش بر او جفا کردند.^{۳۸}

علی بن جعفر از حضرت امام رضا علیه السلام چندین حدیث نقل کرده است و عزیزالله عطاردی آن ها را در کتاب امامت، حدیث ۳۵۶-۳۵۹، تجمیل، حدیث ۳۹ و کتاب نوادر، حدیث ۳۹ آورده است.^{۳۹}

امامزاده کهن سال حامی امامی خردسال

علی بن جعفر این افتخار را به دست آورد تا زمان امامت حضرت جواد علیه السلام را درک کند و در مقابل آن حضرت سر تسلیم فرود آورد، اوج امام شناسی و بصیرت او هنگام سالخوردگی اوست، موقعی که خود عالمی فرزانه و بزرگ علویان به شمار

می رود و در جامعه اسلامی از منزلتی عظیم برخوردار است و در میان مردم نفوذی فوق العاده دارد و در مقابل نواده برادرش حضرت امام محمدتقی علیه السلام، در حالی که سنین خردسالی را سپری می کند و هشت ساله است از خویشان فروتنی و نهایت خضوع و احترام را بروز می دهد و او را امام خویش معرفی می کند و به گونه ای آن نوجوان را تکریم می نماید که برای عده ای از اطرافیان، قدری شگفت انگیز می باشد و آنان بر این رفتار خنده می گیرند اما علی بن جعفر با استواری خاصی که از اعتقاد و ایمانش برمی خیزد بر درستی رفتار خود اصرار می ورزد.

محمد بن حسن بن عمار که سالیان متمادی در محضر علی بن جعفر جرعه نوش کمالات و معارف او بوده است و هر روایتی را که از امام کاظم علیه السلام نقل می کرده است به نگارش درمی آورده، می گوید روزی در مدینه النبی در خدمت آن امامزاده نشسته بودم، ناگهان ابوجعفر محمد بن علی (امام محمدتقی) در مسجد

رسول اکرم ﷺ بر او وارد گردید، وقتی علی بن جعفر بر سیمای آن حضرت نظر افکند، بی اختیار از جای خویش برخاست و بدون کفش و ردا، به سوی امام رفت و به دستان مبارکش بوسه زد و ایشان را مورد تکریم قرار داد، حضرت جواد علیه السلام خطاب به ایشان فرمود: ای عمو بر جای خود قرار بگیرید، خداوند شما را مشمول رحمت خویش قرار دهد. علی بن جعفر عرض کرد: ای سید و آقای من چگونه بنشینم در حالی که شما ایستاده‌اید، چون فرزند امام صادق علیه السلام از خدمت امام جواد علیه السلام مرخص گردید و در مجلس خود نشست، اصحاب و شاگردانش وی را از این بابت مورد ملامت قرار دادند و گفتند شما این گونه آن نوجوان را احترام می‌کنی و آن نحو با وی رفتار می‌کنی و حال آن که عموی پدرش می‌باشی. علی بن جعفر گفت: ساکت باشید و محاسن خویش را با دست خود گرفت و افزود: اگر خداوند متعال مرا با این محاسن لایق امامت ندانست و این طفل را شایسته و لایق این مقام

دانست و امامت را به او تفویض نمود، آیا در این صورت من باید چنین فضلی را مورد انکار قرار دهم، به خداوند پناه می‌برم از آن چه شما بر زبان می‌آورید، نه تنها احترامش را بر خود لازم می‌دانم بلکه خادم و بنده او هستم.^{۴۰}

حسین فرزند موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است: در مدینه النبی خدمت امام جواد علیه السلام بودم که علی بن جعفر و اعرابی از اهل مدینه هم آن جا حضور داشتند، آن مرد در حالی که با دستش به سوی حضرت جواد علیه السلام اشاره می‌کرد، به من گفت این جوان کیست، گفتم: جانشین رسول خدا بعد از پدرانش می‌باشد، در این حال طیب خواست حضرت امام جواد علیه السلام را فصد کند، چون نیشتر را نزدیک آورد تا رگ مورد نظر را بزند. علی بن جعفر جلوتر آمد و گفت: ای آقای من، اجازه دهید ابتدا مرا فصد کند چون این نیشتر حدّت و تندی دارد و می‌خواهم تیزی آن در من اثر کند تا جناب شما را متألّم نگرداند و وقتی حضرت برخاست تا آن جا را ترک

کند، علی بن جعفر از جای خویش برخاست و کفش های امام را جفت کرد و در پیش پای مبارکشان قرار داد و حال آن که علی بن جعفر در آن وقت امامزاده ای سالخورده و مردی مکرم بود و حضرت جواد علیه السلام نوجوان بود. حسین بن موسی می گوید خطاب به علی بن جعفر گفتم: بر تو مبارک باشد، سپس به آن اعرابی یا طبیب گوشزد کردم او عموی پدرش می باشد.^{۴۱}

در روایتی دیگر، مردی که تفکر واقفیان را داشت، از علی بن جعفر پرسید: برادرت امام کاظم علیه السلام چه شد؟ او جواب داد: به شهادت رسید و اموال و دارایی های وی بین وارثین تقسیم گردید، همسرانش زندگی جدید را آغاز کردند و امام بعد از او تعیین شد، جانشین وی نیز به چنین سرنوشتی دچار گردید. فرد واقفی گفت پس امام بعد از علی بن موسی الرضا علیه السلام چه کسی خواهد بود، علی بن جعفر علیه السلام پاسخ داد: فرزندش ابو جعفر (جواد الاثمه)، سوال کننده گفت: شما با این کهولت سن و قدر و منزلتی که دارید در حالی

که فرزند صادق آل محمد هستید، درباره این نوجوان چنین نظری داری و امامت او را تأیید می کنی. علی بن جعفر در پاسخ به او گفت: تو را جز شیطان چیز دیگری نمی بینم (زیرا می خواهی همچون ابلیس اغواگری کنی)، خداوند متعال او را برای امر امامت لایق دانسته است و حق تعالی این شایستگی را در من ندیده است.^{۴۲}

زکریا بن یحیی بن نعمان صیرفی می گوید: شنیدم علی بن جعفر را برای حسن بن حسین بن علی بن حسین نقل می کرد: سوگند به خداوند، پروردگار متعال ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را یاری کرد، حسن به او گفت: آری! برادرانش و ما هم به او گفتیم که میان ما هرگز امامی سیاه چرده نبوده است. امام رضا علیه السلام فرمود: او پسر من است. گفتند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق قیافه حکم صادر کرده است، شما قیافه شناسان را فرا بخوانید و لسی به آن ها نگویید به چه منظوری دعوتشان می کنید و همگی در منازل خود باشید و چون آمدند ما همه در باغ

نشستیم و عموها، برادرها و خواهرها در صف شدند. به امام رضا علیه السلام جبه پشمی پوشانیدند و کلاهی پشمی بر سرش نهاده و بیلی بر شانه اش گذاشتند و خطاب به ایشان گفتند، برو در باغ و همچون کارگری مشغول کار باش. سپس امام جواد علیه السلام را آوردند و ایشان گفتند: این پسر را به پدرش منسوب سازید. گفتند: پدرش در میان این جمع نمی باشد ولی این عموی پدر اوست (یعنی علی بن جعفر) و او هم عموی خودش است و این یکی عمه اش می باشد و اگر پدر او اینجا باشد باید همین کارگری باشد که در باغ است، زیرا هر دو پای این طفل و هر پای او یکی است و چون امام رضا علیه السلام نزد آنان بازگشت، گفتند: این مرد پدر اوست. علی بن جعفر می گوید: من از جای خود برخاستم و لب بر لبان ابوجعفر (امام جواد) گذاشتم و آب دهانش را مکیدم و گفتم: گواهی می دهم که تو امام من هستی نزد خداوند، امام رضا علیه السلام گریست و فرمود: عموجان، مگر نشیدی که پدرم

می فرمود: رسول اکرم فرمودند: می آید پسر بهتر کنیزان فرزند کنیز نوبی نژاد خوش دهان و نجیب زاهدان (دارای رحم پاک) وای بر آنان، خدای لعنت کند اعییس و ذریه اش را که فتنه انگیز است. ای عموجان آیا این امام جز از نسل من است، گفتم: قربانت راست فرمودی. ۴۳

محدث قمی می گوید از ملاحظه این احادیث معلوم می گردد که این بزرگوار تا چه اندازه به امام زمان خود معرفت داشته است و **كَفَاهُ ذَلِكَ فَضْلًا وَ شَرَفًا**. ۴۴

علامه مظفر بعد از اشاره به این ماجراها یادآور شده است: به حقیقت سوگند که تقوا، پایداری و حقیقت طلبی همین است و مرد حق کسی است که شیفته و مغرور این برتری های ظاهری نگردد و کبر سن و برخورداری از فضل و معلومات که احیاناً موجب غرور و طغیان نفس می گردد، او را فریب ندهد. این است آن نفس قدسی که هرکس دارای آن شد حق را شناخته است و از آن پیروی می کند و هرگز به

دنبال تعصب و هوای نفس نمی‌رود و گرفتار غرور و خودپسندی نمی‌گردد بلکه از آثار خودشناسی آن است که آدمی از فرمان آفریدگار خویش جلّ شأنه اطاعت کند و پیرو اولیاءالله و صاحبان امر باشد. این گوشه‌ای بود از شرح حال علی بن جعفر که نشان‌گر دل پاک و نفس قدسی اوست و حاکی از روح تعبّد و خداشناسی او نسبت به حجت‌های الهی در میان بندگان^{۴۵}.

علی بن جعفر درباره امام جواد علیه‌السلام علاوه بر استدلال عقلی دال بر این که کمال‌العقل لایستنکر لحجج الله مع صغر السن (خردسالی را مانع پذیرش حجت‌های الهی نمی‌داند) به آیاتی از قرآن که درباره حضرت عیسی است، توجه داشت، به علاوه متذکر این دعوت رسول اکرم ﷺ از امیرمومنان علیه‌السلام بود که در حالی که آن امام معصوم نابالغ بوده است، ایشان را برای پذیرش اسلام فرا می‌خواند و در همان حال پیامبر چنین دعوتی را از افراد مشابه به عمل نمی‌آورد همچنین این ماجرا را به ذهن متبادر ساخت که مباحله رسول

اکرم ﷺ با طایفه مسیحیان نجران، با همراهی امام حسن و امام حسین علیه‌السلام که در آن ایام کودک بودند صورت گرفت، این مدارک و مستندات موجب گردید تا علی بن جعفر راوایاتی دال بر امامت امام جواد بی‌آورد که برخی از آن‌ها در اصول کافی، ارشاد شیخ مفید و رجال کشی آمده است.^{۴۶} و تمام آن‌ها را عزیزالله عطاردی در مسندالامام الجواد علیه‌السلام آورده است.

مکتب علمی و حدیثی

علی بن جعفر این افتخار را دارد که پنج امام معصوم را درک کرده و از محضر سه تن از آنان یعنی امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیه‌السلام بهره‌مند گردید و از آن بزرگواران احادیثی روایت کرده است، به علاوه حسین بن زید شهید فرزند علی بن الحسین علیه‌السلام، سفیان بن عینیّه ثوری، عبدالملک بن قدامه، ابوسعید مکی، محمد بن مسلم و معتب یکی از محبان حضرت امام صادق علیه‌السلام در زمره مشایخ او، در نقل حدیث بوده‌اند.^{۴۷}

همچنین به دلیل آن که وی امامزاده‌ای مورد وثوق بوده و در بیت عترت و امامت پرورش یافته است، عده‌ای از جویندگان معارف ناب از محضرش استفاده کرده و یا با طرح سوالات و مشکلات خود نزد وی، پاسخ‌های معتبری را از ایشان دریافت می‌داشته‌اند، برخی از بزرگانی که در نقل روایت، علی بن جعفر را استاد خود قلمداد نموده‌اند و به گفته‌هایش اعتماد و استناد نموده‌اند عبارتند از: احمد فرزندش، احمد بن موسی بن جعفر (شاه چراغ)، اسحاق نواده اسحاق موتمن، اسحاق بن موسی بن جعفر (فرزند برادرش)، اسماعیل بن محمد بن اسحاق بن جعفر (فرزند برادرش)، اسماعیل بن همام (رجالی مورد وثوق)، اسماعیل بن یساریا بشار، ایوب بن نوح (صحابی پرهیزکار و مورد وثوق و دارای منزلت نزد امام دهم و یازدهم)، حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام، حسین فرزند امام کاظم علیه السلام، داوود بن محمد

نهدی (محدث مورد اعتماد)، عبدالعظیم حسنی، عبدالله بن حسن بن علی بن جعفر (نواده‌اش)، محمد بن حسن بن عمار، موسی بن حسن، یونس بن عبدالرحمن، هارون بن موسی، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، احمد بن محمد بن عبدالله، سلیمان بن جعفر و ...^{۴۸}

محدثان و مورخان و نیز شرح حال‌نگاران علی بن جعفر را در زمره محدثانی معرفی کرده‌اند که دارای تألیفاتی هم بوده است. کتاب المناسک و کتابی در حلال و حرام را جزو آثارش برشمرده‌اند و افزوده‌اند وی دارای مجموعه روایتی است تحت عنوان مسائل علی بن جعفر که دارای اهمیت بسزایی است، اثر اخیر حاوی روایات و سوالاتی است که ایشان از برادر خود حضرت کاظم علیه السلام پرسیده و جواب‌هایی که از آن امام همام دریافت داشته است، این کتاب با تحقیقات و تصحیح موسسه آل البیت قم به طبع رسیده است، مسائل علی بن جعفر در کتاب بحار الانوار نیز درج گردیده است

و کتاب مزبور مورد اعتماد فقهای شیعه به شمار می‌رود و مأخذی مهم در مسائل شرعی و فقهی می‌باشد. محدث نوری می‌گوید کتاب علی بن جعفر در این زمان از کتب دارای اصالت و اعتبار است و بسیاری از علمای بزرگ آن را مورد مراجعه و مأخذ خویش قرار می‌دهند و این ویژگی مایه جلال و عظمت شأن اوست، چه سندی مهم‌تر از این کتاب که از مصادر دائرة المعارف بزرگ حدیث شیعه یعنی بحار الانوار قرار گیرد. نجاشی در رجال خود می‌گوید این محدث کتابی در موضوع حلال و حرام تألیف کرده است و در جای دیگری این اثر را المسائل نامیده است، ابن شهر آشوب سروی مازندرانی هم می‌گوید او دارای اثری با عنوان مسائل می‌باشد اما در فهرست شیخ طوسی آمده است علی بن جعفر کتابی دارد با عنوان مناسک و مسائل. از این نکته برمی‌آید که این دو موضوع در قالب کتابی آمده‌اند ولی برخی آن‌ها را از هم تفکیک کرده‌اند. عده‌ای دیگر هم چنان که اشاره کردیم گفته‌اند او

سه کتاب از خود برجای گذاشت: المناسک، المسائل و نوشتاری در موضوع حلال و حرام. رجال‌نگاران و فهرست‌نویسان متقدم و متأخر گفته‌اند کتاب المسائل حاوی مطالبی است که علی بن جعفر از برادر خود حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیده و جواب آن‌ها را دریافت کرده و در قالب کتابی آن را تدوین کرده است که مشتمل بر موضوعاتی از ابواب گوناگون فقهی در حلال و حرام می‌باشد. همان کتابی که ابوغالب زراری (از مشاهیر قرن چهارم هجری) در منابع کتاب خود (رساله فی آل‌اعین) آن را ذکر کرده است.^{۴۹}

در عرصه‌های مبارزاتی

از جنبه‌های تابناک در زندگی علی بن جعفر این است که افتخار زیستن در عصر ائمه هدی را در عمر طولانی خود داشته است و این حیات پرفیض توأم با موضع‌گیری‌های وی در دفاع از اصل امامت و طرد دشمنان و مخالفان اهل بیت و افشای فرقه‌های منحرف و ضالّه بوده است، اما از سوی دیگر عمر

دراز این امامزاده محدث باعث گردید تا او شاهد جفاگستری‌ها، ناروایی‌های ستمگران و جنایات کارگزاران سفاک بنی‌عباس باشد. طبیعی است برای انسانی وارسته و پارسایی چون او آزار و شکنجه علویان و سادات، دستگیری طالبیان و آنان را روانه سیاهچال‌های خوفناک کردن قابل تحمل نبود، همچنین وی به عنوان محدث عالم و مدافع امامت و ولایت، خلیفه‌ای که این فروزندگی و درخشندگی را بر نمی‌تابد، محکوم می‌نماید و این وضع او را وادار می‌کند تا از تشکیلات عباسی متنفر و منزجر باشد و در صورتی که موقعیتی پیش آید، در تضعیف و به تحلیل بردن دولت مذکور، نهایت اهتمام خود را به کار ببرد. در عصر امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، جنبش‌های گسترده‌ای علیه حکام وقت شکل گرفت، این قیام‌ها در دفاع از عدالت و کاستن از تاریکی‌های ظلم صورت پذیرفت.

افرادی از علویان و سادات و انسان‌های مومن و مبارز که درباره

ائمه ارادتی صادقانه داشتند، در این حرکت‌ها تأثیرگذار بودند و در بسیج نیروها و گسترش این خیزش‌ها تلاش می‌کردند و انگیزه آنان در دفع شرارت‌های غاصبان خلافت و اعوان و انصارشان بود و اگر چه امام رضا علیه السلام این انقلاب را به طور علنی و با صراحت مورد حمایت قرار نداده است ولی با اصل ستیز در مقابل مروّجان منکرات مخالف نبوده‌اند. بدیهی است همراهی آشکار امام با جنبش‌های مذکور به دلیل این که برنامه‌های حضرت توسط جاسوسان دولت عباسی تحت نظر بوده است سبب می‌گردید نه تنها این نهضت‌ها به اهداف مورد نظر خود نرسند بلکه هنگام شکل‌گیری متلاشی گردند. البته با بصیرت معنوی و بینش ژرف امام فرجام حرکتی محدود در برابر سپاهی قوی و مقتدر و تشکیلاتی گسترده، وضع مطلوبی نداشت ولی این حقیقت از نظر امام رضا علیه السلام دور نبود که چنین حرکت‌های مبارزاتی، دستگاه بنی‌عباس را دچار هراس‌هایی می‌نماید و در نقاط گوناگون جهان

اسلام، حقایقی را برای مسلمانان روشن می‌سازد و جبهه‌های مخالف عباسی را تقویت می‌کند. به علاوه اگر در اهداف برخی از طلایه‌داران این قیام‌ها، موضع‌گیری‌هایی دیده می‌شد که با فرهنگ ائمه در تضاد بود، علی بن جعفر راه خویش را از آنان جدا می‌کرد و از آن تشکیلات سیاسی فاصله می‌گرفت.

یکی از قیام‌هایی که علی بن جعفر در آن حضور یافت، نهضت ابوالسرایا می‌باشد. رهبر معنوی این خیزش محمد بن ابراهیم طباطبای بود و فرماندهی نظامی آن را سری بن منصور از خاندان بنی‌ربیع، معروف به ابوالسرایا عهده‌دار بود. افرادی که در این قیام حضور داشتند به کربلا در جوار بارگاه امام حسین (علیه السلام) آمدند که پایگاه انقلاب‌ها و پناهگاه انسان‌های مبارز و مومن بود. فردی از اهالی مدین گفته است: آن شب در کنار مزار امام سوم شیعیان بودم، ناگاه دیدم سوارانی از راه رسیدند و از مرکب‌های خود پیاده شدند، شبی توفانی و بارانی بود، آنان به

کنار مضجع شریف حسین بن علی (علیه السلام) آمدند و بر آن حضرت درود فرستادند، ابوالسرایا زیارت مفصلی خواند، سپس گفت این مکان مقدس جایی است که حضور در آن موجب رضای خداست و اجری بزرگ دربر دارد، سپس از جای خود برخاست، خطبه‌ای طولانی ایراد کرد و در آن فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را برشمرد و کارنامه سیاه جامعه ستمگر را درباره آنان یادآور گردید. از قیام امام حسین (علیه السلام) سخن گفت و خاطرنشان ساخت: درست است که شما در کنار سید شهیدان نبودید تا او را یاری دهید ولی چه چیز مانع از آن می‌گردد که شما از امداد به کسی که با او معاصرید و او را درک می‌کنید کوتاهی کنید. محمد بن ابراهیم فردا قیام می‌کند، او خواهان گرفتن انتقام خون امام حسین (علیه السلام)، میراث نیاکان و برپاداشتن دین خداست. من از کربلا به سوی کوفه می‌روم تا برای حمایت از آیین محمدی قیام کنم و از حریم مکتب الهی به دفاع برخیزم و اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را یاری دهم، هرکس

چنین قصدی دارد به ما پیوندد. محمد بن ابراهیم طباطبا در تاریخ دهم جمادی الاول در سال ۱۹۹ هجری در کوفه نهضت خود را علنی ساخت. علی بن جعفر، علی بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین علیه السلام و عده‌ای دیگر از علویان رهبر قیام را در میان گرفته بودند، نهضت مزبور با این شعار شروع شد: ما مردم را به گردآمدن اطراف بهترین فرمانده از خاندان پیامبر دعوت می‌کنیم تا تعالیم قرآن و سنت را عمل نماییم. رهبر معنوی قیام، جوانی بیش نبود و ابوالسرایا قدرت سیاسی و نظامی را در اختیار گرفت. کوفیان، اهالی حومه این شهر و برخی قبایل عراق از این حرکت حمایت کردند. ابوالسرایا به نام خود در کوفه سکه ضرب کرد و باعث پراکندگی نیروهای نظامی عباسیان گردید و مدائن را به تصرف درآورد. علاوه بر آن تحت رهبری علی بن جعفر، برادران امام رضا علیه السلام و دیگر بستگان آن حضرت به منظور گسترش اقتدار خویش، در عراق، اهواز، فارس، حجاز

و یمن، مبارزان موفقی را روانه کرد و آن‌ها وظایف خود را به نحو احسن انجام دادند و به حکمرانی این نواحی رسیدند. ابراهیم بن موسی بعد از نبردی مجدد موفق گردید بر یمن غلبه یابد. حکمران واسط موفق شد حاکم عباسی آن شهر، نصر بجلی را شکست دهد، به واسط چیره گردد و از اهالی آن خراج بستاند و مردم هم از او حمایت کردند، علی بن جعفر به عنوان والی بندر بصره موفق گردید نیروهای عباسی را شکست دهد و بر بصره و توابع استیلا یابد. اسماعیل بن علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام والی کوفه گردید. حکومت مکه به حسن بن حسن افطس سپرده شد.

بنابراین یکی از پایه‌های مهم این قیام، علی بن جعفر بود. گسترش قیام به سوی نقاط دیگر جهان اسلام، مخاطراتی را برای خلیفه عباسی به وجود آورد. فارس تحت نفوذ ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام قرار گرفت. این خیزش از نظر حضرت امام رضا علیه السلام دور نبود ولی برحسب

مجلس شورای عالی
شماره ۱۸۸ زمستان ۱۳۸۲

مصالحی از تأیید علنی و صریح آن امتناع کرد.

اقتدار ابوالسّرایا با رحلت ناگهانی ابن طباطبا و امتناع علی بن عبیدالله شخصیت برجسته علوی به قبول جانشینی او، افزایش یافت، ابوالسّرایا جوانی علوی موسوم به محمد بن محمد بن زید علوی را به این سمت منصوب کرد اما این موفقیت رهبر سیاسی قیام در عراق دوام نیافت و قوای عباسی در حوالی کوفه او را در هم شکستند، بصره نیز به تصرف عباسیان درآمد و اهواز هم تسلیم آنان گردید و پیروان ابوالسّرایا پراکنده شدند. چند ماه بعد لشکریان حسن بن سهل او را در جلولا دستگیر کردند و در دهم ربیع الاول ۲۰۰ هجری وی را گردن زدند و پیکرش را در بغداد به دار آویختند، اما آنان از به قتل رسانیدن علویان موثر در قیام اجتناب کردند، رهبر علوی قیام محمد بن محمد بن زید تحت نظارت کارگزاران عباسی در خانه‌ای ساکن گردید و توسط شربتی که به او دادند، چهل روز بعد به

شهادت رسید.^{۵۰}

محمد دیباج فرزند امام صادق علیه السلام فردی زهد پیشه و پارسا بود اما هوادارانش وی را برای قیامی علیه مأمون عباسی تشویق کردند، وی در آغاز حاضر به پذیرش این درخواست نبود اما فرزندش علی و حسین بن حسن افطس بر خواسته خود در این باره اصرار ورزیدند و او تقاضایشان را پذیرفت. رخداد دیگری وی را در ترتیب دادن این قیام مصمم ساخت زیرا نامه‌ای را توسط علویان دریافت کرد که در آن فرد مغرضی به ساحت مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اهانت کرده بود و اهل بیت رسول اکرم را دشنام داده بود. وقتی او این مکتوب را خواند برآشفته و به داخل خانه رفت و لحظاتی بعد زره پوش و مسلح بیرون آمد و مردم را برای انجام قیامی که او رهبریش را عهده‌دار گردیده بود فراخواند. این خیزش در سال ۲۰۰ هجری و در سرزمین حجاز صورت گرفت. علی بن جعفر به حرکت مزبور پیوست و دعوت برادر را اجابت کرد و

کارزاری به راه افتاد که بیشتر از دو روز ادامه یافت و به شکست قوای محمد بن جعفر انجامید، علویان پراکنده شدند و هرکدام آهنگ دیاری را کرده بودند. اما محمد بن جعفر شتابان خود را به سوی سرزمین جهینه بر کرانه دریای سرخ رسانید و در آن جا یارانی فراهم آورد. هارون بن مسبب حکمران مدینه، از تحرکات این علوی آگاهی یافت و در برابرش موضعی محکم اختیار کرد و نیروهای نظامی مجهزی به سویش روانه کرد که در حوالی شجره با هواداران محمد روبرو شدند و نبردی درگرفت که به شکست و جراحت محمد و کشته شدن عده‌ای از یارانش منجر گردید. محمد دست از قیام برداشت و خود را تسلیم قوای عباسی کرد. آنان نیرویی را به دربار مأمون انتقال دادند، علی بن جعفر در مراحل از این قیام حضوری فعال داشت اما وقتی دید در انگیزه‌های آن شائبه‌هایی دیده می‌شود و نیز برخی عناصر قیام، افراد نامطلوبی هستند از همکاری با این حرکت امتناع کرد و بعدها روشن

گردید که او تصمیم درستی اتخاذ کرده است. جنبش مذکور رهبری مردم داشت، از سازماندهی دقیق برخوردار نبود، در گردآوری یاران و هواداران دقت‌های لازم صورت نگرفته بود و از نظر تجهیزات و امکانات قادر نبود با عباسیان رویارویی داشته باشد. عده‌ای که با محمد بن جعفر بیعت کرده بودند به حمایت خود از رهبر قیام پای‌بندی جدی نداشتند. این عوامل موجب گردید تا قیام مزبور در مراحل اولیه، درهم کوبیده شود و این امور را علی بن جعفر با بصیرتی که داشت تشخیص داده بود.^{۵۱} ناگفته نماند این قیام با همه کاستی‌هایی که داشت در مراحل آغازین، آرامش مأمون را برهم زد و کارگزاران او را در حجاز دچار درماندگی ساخت و به همین دلیل سپاهی گران را برای جلوگیری از اوج‌گیری و گسترش آن اعزام نمودند و بنابراین رزم‌آفرینی‌های علی بن جعفر در آن حائز اهمیت می‌باشد. ملایمت مأمون با رهبران قیام ناشی از رحم و شفقت و خوش فکری او نبود بلکه

این جنبش در آن روزگاران حقایقی را روشن کرده و کارنامه تیره عباسیان را افشا کرده بود. ۵۲

در وصف مورخان، رجال شناسان و علمای شیعه

شیخ مفید می نویسد: علی فرزند جعفر راوی حدیث، دارای طریقی استوار، ورع زیاد و فضلی فراوان بود، پیوسته ملازم امام کاظم علیه السلام بود و از آن حضرت روایات متعددی نقل نموده است. ۵۳

شیخ طوسی نوشته است: وی از اصحاب پدر، برادر و فرزند برادرش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد، مقام والایی دارد و در گفتارش درستی دیده می شود و محدثی ثقه به شمار می رود. ۵۴

ابوالحسن محمد بن احمد بن داوود (متوفی در اواخر قرن چهارم هجری) علی بن جعفر را در زمره ثقات در نقل حدیث معرفی کرده و جلالت و شأن او را ستوده است. ۵۵

نجاشی از رجال نگاران قرن پنجم هجری متذکر می گردد: علی بن جعفر

نوشتاری در موضوع حلال و حرام دارد که از طرق متعددی مطالب آن به ما رسیده است. ۵۶

ابن شهر آشوب سروی مازندرانی دانشمند قرن ششم هجری گفته است: علی بن جعفر از محدثان مورد وثوق برادرش حضرت امام کاظم علیه السلام بوده است. ۵۷

علامه حلی دانشور جهان تشیع در نیمه دوم قرن هفتم هجری و آغاز قرن هشتم هجری در معرفی این امامزاده خاطرنشان ساخته است: او برادر امام کاظم علیه السلام و صحابی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و شخصی مورد اعتماد و اطمینان می باشد، وی اضافه می کند کشی درباره اش روایاتی آورده است که بر درستی عقیده او در موضوع امامت و میزان ارادت و ادبش درباره حضرت امام علی النقی علیه السلام حکایت دارد و منزلت این محدث والا تر و بالاتر از این مسائل می باشد. ۵۸

ابی نصر بخاری می گوید: علی بن جعفر منسوب به عریض از توابع مدینه است و کوچک ترین فرزند امام

صادق علیه السلام می باشد و بنابراین هنگام شهادت پدر، کودک بود و نتوانست از والدش حدیث روایت کند، مادرش امّ ولد بود، اکثر احادیثی که نقل کرده از برادرش موسی بن جعفر و پسرعموی پدرش حسین بن زید است، عالمی بزرگ است که حضرت امام رضا علیه السلام، فرزندش امام محمد تقی علیه السلام و نواده اش امام علی النقی علیه السلام را درک کرد.^{۵۹}

جمال الدین احمد بن علی الحسینی معروف به ابن عنبه (متوفی ۸۲۸ هجری) علی بن جعفر را این گونه معرفی می کند: علی فرزند جعفر صادق که کنیه ابوالحسن داشت، هنگامی که رحلت پدرش فرا رسید کودک بود، دانشمندی کبیر به شمار می رفت، همراه برادرش محمد دیباج در مکه مکرمه قیام کرد ولی چندی بعد از این جنبش فاصله گرفت، به امامت برادرزاده خود اعتقاد پیدا کرد، از وی چهار فرزند به نام های محمد، احمد شعرانی، حسن و جعفر اصغر باقی ماند.^{۶۰}

صاحب صحاح الاخبار نوشته است: ابوالحسن علی عریضی عالمی فاضل

بود که در جنبش برادر خود، محمد علیه مأمون عباسی حضور داشت، با شکست این خیزش به قم آمد و در آن جا زندگی خود را ادامه داد تا آن که عصر امام هادی را درک کرد و در زمان آن حضرت مرگش فرا رسید.^{۶۱} علامه مجلسی نیز ورع، زهد، فضل و اعتبار او را در نقل حدیث ستوده است.^{۶۲}

میرمحمد حسین بن عبدالواسع حسینی خاتون آبادی در ریاض الرضوان می گوید: جلالت قدر علی بن جعفر زیادتز از آن است که بتوان تقریر و بیان کرد، او فضل بسیار داشته و چندین کتاب تصنیف کرده و در عریض از روستاهای نواحی مدینه طیبه ساکن بوده و لهذا اولادش را عریضی گویند و مشهور میان مورخان و ارباب سیره آن است که در این آبادی مدفون است و از این آثار برنمی آید که به حدود عراق عرب و عراق عجم و قم آمده باشد.^{۶۳} استاد اسد حیدر ذیل معرفی کمالات علی عریضی دیدگاه علمای شیعه و سنی را آورده و افزوده است: پرسش های او

دفتر نشر حدیث
شماره ۸۸ / سال ۱۳۹۲

از برادرش امام کاظم علیه السلام در کتاب‌های علما آمده است، شیخ صدوق، شیخ طوسی، علامه حلی و دیگر علما روایات او را نقل کرده‌اند.^{۶۴}

از منظر اهل سنت

زبیدی می‌گوید عریض دره‌ای است در حوالی مدینه که ابوالحسن علی بن جعفر بدان جا منسوب است، او و فرزندان جماعتی قابل توجه و رو به افزایش بوده‌اند.^{۶۵}

احمد حنبل می‌گوید رحمت خداوند بر علی بن جعفر که نیک‌کردار، با سخاوت و دانشمند بود و اگرچه کوچک‌ترین فرزند پدرش بود ولی بیش از همه عمر کرد.^{۶۶}

ذهبی نوشته است او از پدر و برادر خود حدیث روایت کرده و گروهی از محدثان وی را در نقل روایت سند قرار داده‌اند.^{۶۷}

ابوالفلاح عبدالحی حنبلی (متوفی ۱۰۸۹ق) فضیلت و جلالت قدر این امامزاده را ستوده و او را جزو برگزیدگان خاندان علوی معرفی کرده

است.^{۶۸}

ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ق) علی بن جعفر را در زمره هاشمیان و علویان و نیز محدثی بزرگ در سلسله اسانید روایات، دانسته است.^{۶۹}

احفاد و خاندان

نسل علی بن جعفر از طریق چهار پسرش به نام‌های محمد، احمد، حسن و جعفر اصغر ادامه یافت. آنان شاخه‌های گسترده‌ای را در کشورهای خاورمیانه تشکیل داده‌اند.^{۷۰} پس ادعای ملاحسین کاشفی در این باره صحت دارد^{۷۱} و ابن عنبه آن را مورد تأیید قرار داده است.^{۷۲} و این که برخی منابع عیسی رومی را فرزند وی معرفی کرده‌اند، مور تأمل قرار می‌گیرد.^{۷۳} بنا به نوشته ابراهیم بن طباطبا، مادر پسران مذکور امّ ولد بوده است.^{۷۴}

محمود اکبر که کنیه‌اش اباعبدالله بود فرزندان متعددی داشت ولی گسترش نسل او از طریق شمس‌الدین عیسی رومی کبیر صورت گرفت.^{۷۵} که اولادش در بلاد گوناگون جهان اسلام

پراکنده‌اند.^{۷۶} عیسی منصب نقابت سادات و علویان را بر عهده داشت.^{۷۷} وی در طبقه رجالی، شخصیت‌های عصر امام هادی علیه السلام قرار می‌گیرد.^{۷۸} در خاندان محمد بن علی عریضی چند نفر عیسی داریم که برخی مورخان آن‌ها را با یکدیگر مخلوط کرده‌اند.^{۷۹} امامزاده ابوالحسن زین‌العابدین علی که به درب امامیه در اصفهان موسوم است از نوادگان عیسی رومی است که در اواخر قرن پنجم هجری می‌زیسته است.^{۸۰}

حسن فرزند عیسی همراه با فرزندش علی از مدینه به قم آمد و در این شهر تشکیل خانواده داد.^{۸۱} علی بن حسین بن عیسی نیز از ری به قم آمد.^{۸۲} دومین فرزند علی بن جعفر، احمد شعرانی نام دارد که اولادش به بنی جدّه مشهورند و اعقاب او در یزد، اصفهان و شیراز ساکن گردیده‌اند.^{۸۳}

ابوعبدالله حسین بن احمد شعرانی نیز به قم هجرت کرد و در این شهر زیست و رحلت یافت.^{۸۴} صاحب متقله الطایبه می‌گوید افراد دیگری

از نسل او به این دیار مهاجرت نموده‌اند.^{۸۵} احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر که مرقدش در قم مشهور و زیارتگاه علاقه‌مندان است از نسل احمد شعرانی می‌باشد.^{۸۶}

امامزاده اسماعیل که بارگاهش در بیدقان و در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی قم نزد اهالی این منطقه از منزلت والایی برخوردار است به احمد شعرانی نسب می‌برد.^{۸۷} امامزاده ابوجعفر یزد و جد سادات عریضی این ناحیه، نواده علی بن جعفر از طریق احمد شعرانی است که در ۹۶۶ ق مزارش را با کاشی تزئین کردند و آخرین بنایی که بر مرقدش ساخته‌اند مربوط به سال ۱۳۱۹ ق است.^{۸۸} امامزاده سید رکن‌الدین (متوفی ۷۳۲) مدفون در زیر گنبد مدرسه‌ای که خود ساخته (در حوالی مسجد جامع یزد) نیز از احفاد احمد بن محمد بن علی عریضی است.^{۸۹} امامزاده سلطان سید علی ناین نیز از این خاندان می‌باشد، او در کوهپایه اصفهان به شهادت رسید و پیکرش را در همین مکان که اکنون زیارتگاه اهالی

است، دفن کرده‌اند. سید جلال‌الدین نامی بر مزارش بقعه و گنبدی می‌سازد و موقوفاتی به آن اختصاص می‌دهد.^{۹۰} جعفر فرزند علی عریضی فرزندی به نام علی داشته است^{۹۱} ولی صاحب سرالانساب از او نامی نمی‌برد.^{۹۲} ابونصر بخاری هم چنین عقیده‌ای دارد.^{۹۳}

حسن فرزند دیگر علی بن جعفر پسری به نام عبدالله داشت که نامش در سلسله روات حدیث (به خصوص در قرب الاسناد) دیده می‌شود و در وثاقت او تردیدی وجود ندارد.^{۹۴} عبدالله از مدینه به قم آمد، علی و موسی فرزندان او هستند.^{۹۵}

رحلت

اغلب مورخان زمان ارتحال این امامزاده را ۲۱۰ هجری نوشته‌اند، یافعی در کتاب مرآة الجنان^{۹۶} و ذهبی در تاریخ خود^{۹۷} و شیخ آقا بزرگ تهرانی چنین دیدگاهی دارند.^{۹۸} سید محمد صادق بحر العلوم به نقل از تقریب التهذیب نقل می‌کند که علی

بن جعفر در همین تاریخ درگذشته است.^{۹۹} اما مرحوم عزیزالله عطاردی می‌گوید چون علی عریضی زمان امام هادی علیه السلام را درک کرده است نمی‌تواند این سال، زمان فوت وی باشد.^{۱۰۰} علامه مامقانی عقیده دارد این امامزاده در عصر امام علی النقی علیه السلام می‌زیسته است چرا که بنا بر روایت مندرج در اصول کافی علی بن جعفر می‌گوید هنگام رحلت محمد فرزند امام دهم خدمت آن حضرت بوده‌ام^{۱۰۱} و با توجه به این که محمد در ۲۵۲ هجری وفات کرده است. عمر علی بن جعفر حدود ۱۲۰ سال بوده است.^{۱۰۲} آیت‌الله خویی هم نوشته است علی عریضی در زمان حیات امام هادی علیه السلام درگذشت. اما برخی منابع احتمال داده‌اند شخص متوفی در زمان امام دهم، علی فرزند جعفر یمانی، وکیل امام علی النقی علیه السلام بوده است، شیخ طوسی این صحابی امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام را ثقه می‌داند.^{۱۰۳} مسعودی مورخ می‌نویسد علی بن جعفر مدینی در ذی حجه ۲۳۴ ق درگذشت.^{۱۰۴}

محل دفن و زیارتگاه

درباره مرقد علی بن جعفر نظری واحد وجود ندارد، عده‌ای می‌گویند مدفن او در سمنان است ولی علمای رجال و انساب این ادعا را نمی‌پذیرند و می‌گویند چنین عقیده‌ای از میان عامه مردم برخاسته است. محدث نوری و سید محسن امین معتقدند بقعه واقع در سمنان که همنام علی بن جعفر است از نوادگان اوست.^{۱۰۵} آرامگاه یادشده در خیابان نظامی، پایین‌تر از بیمارستان تدین قرار دارد، ایوان، حرم و دو سالن بزرگ برای دفن اموات در طرفین بقعه است، این بنا فاقد کتیبه و سنگ نوشته‌ای حاکی از قدمت آن است.^{۱۰۶} عده‌ای از مورخان، محل دفن پیکر علی بن جعفر را در شهر قم واقع در بقعه درب بهشت می‌دانند که در شرق قم و در انتهای خیابان انقلاب (چهارمردان) قرار دارد. که بنای اصلی آن در ۷۴۰ هجری به فرمان عظاملک میر محمد حسنی به پایان رسیده و دارای مقصوره و ایوانی است که در ادوار بعدی به آن اضافه

گردیده است.^{۱۰۷} به گفته قهپایی بعد از شکست قیام محمد دیباج در مکه علی بن جعفر که در آن حضور داشت به کوفه رفت، آن‌گاه به دعوت قمی‌ها، عازم این دیار گردید و در آن‌جا به حیات علمی و اجتماعی خود ادامه داد تا رحلت یافت و پیکرش در حوالی دروازه کاشان موسوم به درب بهشت به خاک سپرده شد.^{۱۰۸} ملا محمد تقی مجلسی هم می‌گوید او در کوفه برای مردم حدیث می‌گفت، که آوازه‌اش به قم رسید و بزرگان قم از او خواستند محفل خود را به قم انتقال دهد که او پذیرفت و تا آخر عمر در این شهر بود تا آن‌که درگذشت و در قم پیکرش دفن گردید.^{۱۰۹} سید محسن امین این ادعا را قبول ندارد و می‌گوید مرقد علی بن جعفر در عریض مدینه است و اهالی بر مزارش قبه‌ای عالی ساخته‌اند و آن را زیارت می‌کنند.^{۱۱۰} از سوی دیگر سید محمد صادق بحر العلوم نظر قهپایی و مجلسی اول را پذیرفته و تصریح نموده است. علی بن جعفر از عریض به کوفه و از آن‌جا به

قم آمد تا مرگش فرا رسید و قبرش در قم مشهور است.^{۱۱۱} سلیمان قندوزی به نقل از فصل الخطاب محمد پارسایی بخاری می گوید: تربت این امامزاده در حوالی دروازه جنوب شرقی قم قرار دارد.^{۱۱۲}

برخی گفته اند از عواملی که مرقد علی بن جعفر در قم را به اثبات می رساند، نوشته هایی است که با خط ثلث برجسته شنگرفی بر روی کاشی های مرقد دیده می شود، همچنین در سمت چپ گچبری های بقعه به نام صاحب مزار علی بن جعفر است اشاره گردیده است، اما این نوشته ها اگرچه حاوی ارزش هنری و تاریخی می باشند ولی از نظر نگارش ناقص است و گویا با نظارت علما و اهل تبخّر صورت نگرفته است، به علاوه مطالبی که در قرن هشتم هجری به نگارش درآید نمی تواند برای زمان رحلت امامزاده مذکور که قرن سوم هجری است سند باشد.^{۱۱۳}

غالب علما و مورخان صرفاً با استناد به قدمت بنا و لوح قبر خواسته اند

ثابت کنند شخص مدفون در این بقعه علی بن جعفر است اما مدارک متعددی تصریح کرده اند که او به قم نیامده است و فرد مذکور در بقعه مورد نظر، نواده اش می باشد.^{۱۱۴}

در تاریخ قم که تاریخ تألیف آن قرن چهارم هجری است و به هجرت کاروان های متعددی از سادات و علویان به قم اشاره کرده، مطلبی درباره هجرت این فرزند امام صادق (علیه السلام) به قم ندارد ولی می نویسد حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر به قم آمد در حالی که پسرش با او همراه بود.^{۱۱۵} محدث نوری می نویسد قبر علی بن جعفر در عریض مدینه قبه ای عالی دارد و می افزاید ما در خاتمه مستدرک الوسائل^{۱۱۶} روشن کردیم آن جناب اصلاً به عجم نرفته است.^{۱۱۷}

محدث نوری می گوید چگونه امکان دارد محدثان قم و رجال نگاران این شهر از محدثی چون علی بن جعفر که فضل و کمالاتش هویدا است یادی نکنند و هیچ کدام ننوشته اند او به قم آمده است و نیز نگفته اند از این امامزاده



بارگاه منتصب به علی بن جعفر در گلزار شهدای قم

وقف میراث جویباران
شماره ۸۸ / زمستان ۱۳۹۲

در شهر قم حدیثی شنیده‌اند. ۱۱۸ اما شاگردش، محدث قمی، با وجود این که به تأملات استادش نظر داشته است، می‌نویسد احتمال می‌رود قبری که در قم است، مرقد همین علی بن جعفر باشد. ۱۱۹

صاحب منتقلة الطالبيه می‌گوید علی بن جعفر در عریض مدفون است ولی عده‌ای از احفادش را معرفی می‌کند که به قم آمده‌اند. ۱۲۰ یاقوت حموی می‌نویسد ابوالحسن علی بن جعفر در عریض از توابع مدینه متوفی گردید. ۱۲۱ قرطبی عالم و سیاح قرن سوم هجری یادآور گردیده است: در عریض واقع در چهار میلی مدینه مزار علی بن جعفر را زیارت کردم و مردم عریض از احفاد صاحب قبر مذکورند. ۱۲۲

میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله از مشاهیر عصر قاجار در سفرنامه خود به نقل از کتابی معتبر به نام خَطُّ الرِّحال و شُدُّ الازار، متذکر می‌گردد در قم مقبره‌ای است که منسوب به علی بن جعفر است ولی مدفون در بقعه همان علی بن جعفر بن احمد بن علی بن جعفر

است. ۱۲۳

حسن بن محمد بن قمی می‌نویسد امام صادق علیه السلام عریض را به علی، فرزند خود واگذار کرد و او در این آبادی ساکن گردید و به همین دلیل فرزنداناش را عریضی می‌گویند. ۱۲۴

بدون تردید اگر علی بن جعفر به قم آمده بود، وی بدان اشاره می‌کرد، ولی خاطرنشان می‌نماید نخستین کسی که به قم آمد حسن بن عیسی بن محمد بن علی عریضی بود که اجدادش در مدینه و عریض اقامت داشتند. ۱۲۵

علی بن جعفر در جوار مسجد و مدرسه‌ای که خود ساخته بود، در عریض دفن گردید و بنای بقعه‌اش تا سنوات اخیر پابرجا بود ولی در ۱۴۲۳ق وهابی‌ها آن را خراب کردند و پیکرش را که بعد از دوازده قرن سالم بود به بقیع انتقال دادند و در جوار والدش (امام صادق) دفن کردند. ۱۲۶

با وجود آن که میرزا حسین نوری می‌گوید: مرقد شریف علی بن جعفر در عریض است و دارای بقعه و بارگاه باجلالته می‌باشد و می‌افزاید: در برخی

سفرها که به حجاز داشته‌ام آنجا را زیارت کرده‌ام.^{۱۲۷} و کثیری از مورخان و نسب‌شناسان نیز چنین دیدگاهی دارند، مولف انوارالمشعشعین نقل کرده است که مرحوم میرزای قمی عقیده داشته است مرقد علی بن جعفر در قم می‌باشد، مرحوم خوانساری صاحب کتاب روضات الجنات نیز چنین دیدگاهی دارد.^{۱۲۸}

پی‌نوشت‌ها:

۰۱. مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۸ و ۹
۰۲. امام شناسی، ج ۸، ص ۲۶۸
۰۳. توضیح‌الملل، ج ۱، ص ۲۱۸
۰۴. ظهراسلام، ج ۴، صص ۱۱۴-۱۱۵
۰۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۹
۰۶. حیات الامام موسی بن جعفر، ج ۱، ص ۱
۰۷. عمدة الطالب، ص ۱۷۴
۰۸. تاریخ قم، ص ۲۲۴
۰۹. راویان امام رضا در مسندالرضا، ص ۲۸۱
۰۱۰. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۴۲
۰۱۱. انوار گلستان، ج ۱، ص ۳۳۸
۰۱۲. انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۵۱۶
- پاورقی مصحح
۰۱۳. عمدة الطالب، ص ۲۲۲
۰۱۴. سرالسلسلة العلویه، صص ۴۸-۴۹
۰۱۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶
۰۱۶. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۰
۰۱۷. مجموعه رسائل، ص ۱۰۰
۰۱۸. خلاصة الاقوال فی الاحوال الاثمه و الآل، ص ۵۶۶
۰۱۹. راویان امام رضا در مسندالرضا، صص ۲۸۲-۲۸۳
۰۲۰. رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)، ص ۳۵۵
۰۲۱. تنقیح‌المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۷۳
۰۲۲. امام صادق و مذاهب اهل سنت،

ج ۸، ص ۳۲۷

۰۲۳. راویان امام رضا در مسندالرضا،

ص ۲۷۹

۰۲۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۰۳

۰۲۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۴؛ عمدة الطالب،

ص ۲۲۴

۰۲۶. قرب الاسناد، ص ۱۲۲

۰۲۷. معجم الرجال الحديث، ج ۲۱، ص ۲۸۴

۰۲۸. انوار گلستان، ج اول، ص ۳۳۷؛

منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۰۵

۰۲۹. اثابة الوصیه، ص ۲۳۲؛ رجال کشی،

ص ۵۲۵، ۶۰۷ و ۶۰۸؛ تنقیح المقال،

ج ۲، ص ۲۷

۰۳۰. رجال کشی، صص ۵۲۲-۵۲۸

۰۳۱. فرهنگ جامع سخنان امام هادی، ص

۳۰۹

۰۳۲. معجم الرجال الحديث، ج ۱۱، ص

۲۸۹، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲؛ صفحاتی از

زندگی امام جعفر صادق، ص ۱۰۱

۰۳۳. امامان شیعه و جنبش های مکتبی،

صص ۲۰۷-۲۰۹

۰۳۴. رجال کشی، صص ۲۶۳-۲۶۴

۰۳۵. فرق الشیعه، صص ۱۱۸-۱۱۹؛

توضیح الملل، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۹؛

حیات فکری و سیاسی امامان شیعه،

ج ۲، صص ۷۰-۷۱

۰۳۶. کتاب الغیبه، ص ۳۸

۰۳۷. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۶

۰۳۸. سفینه البحار، محدث قمی، ج ۲،

ص ۲۴۴

۰۳۹. راویان امام رضا در مسندالرضا.

ص ۲۸۵

۰۴۰. اصول کافی، ج دوم، صص ۵۱۲-۵۱۵

۰۴۱. رجال کشی، صص ۴۲۹-۴۳۰؛

بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۴

۰۴۲. رجال کشی، ص ۴۲۹؛ شناخت نامه

حضرت فاطمه معصومه و شهر قم،

ص ۱۸

۰۴۳. اصول کافی، ج ۲، صص ۵۱۶-۵۱۷؛

بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱

۰۴۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۰۴

۰۴۵. صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق،

صص ۱۰۲-۱۰۳

۰۴۶. اعلام الوری، ص ۳۳۰؛ الفصول المختاره

من العیون و المحاسن، صص ۲۵۶-

۲۵۷؛ الارشاد فی معرفة الحجج الله علی

العباد، ج ۲، ص ۲۸۷

۰۴۷. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها،

صص ۵۶-۵۸

۰۴۸. همان مأخذ؛ مستدرک الوسائل، ج ۳،

ص ۶۲۷؛ ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۵۸؛

مجمع الرجال الحديث، ج ۱، ص ۲۲۲ و

ص ۲۴۸ و نیز ج ۷، ص ۱۰۸

۰۴۹. معجم الرجال الحديث، ج ۱۱،

ص ۲۸۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص

۶۲۶؛ معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۵۳،

مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها،

ص ۶۹

۰۵۰. تاریخ طبری، ج ۷، صص ۱۲۵-۱۲۷؛

تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۴۶۵-۴۶۶؛

مقاتل الطالبيين، ص ۵۳۸؛ الفخری،

ص ۲۱۰؛ مبارزات شیعیان در دوره

۰۶۶. الکواکب المنتشرة، ج ۲، صص ۴۶۶-۴۶۹

۰۶۷. میزال الاعتدال، ج ۵، ص ۱۴۴

۰۶۸. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۲۴۰

۰۶۹. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۳

۰۷۰. امام صادق و مذاهب اهل سنت، ج ۸، صص ۳۰۰-۳۰۱

۰۷۱. روضة الشهداء، ص ۴۱۳

۰۷۲. عمدة الطالب، صص ۲۲۲-۲۲۴

۰۷۳. منتهی الآمال، ج ۲، صص ۳۰۴-۳۰۵

۰۷۴. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۰۳

۰۷۵. درخت طوبی، ص ۱۰۲

۰۷۶. عمدة الطالب، ص ۲۲۵

۰۷۷. المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۳۳۶

درخت طوبی، ص ۱۰۳، عمدة الطالب، ص ۲۲۵

۰۷۸. دیوان نقابت، ص ۱۰۲

۰۷۹. مهاجران آل ابی طالب، ص ۹۵

۰۸۰. تاریخ اصفهان (سلسله سادات و

انساب امامزاده‌های اصفهان)، ص ۱۳۴ و ۱۸۴

۰۸۱. انوار المشعشین، ج ۲، صص ۲۳۶-۲۳۷

۰۸۲. همان، صص ۲۳۹-۲۴۰؛ تاریخ قم، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، ص ۶۱۱

۰۸۳. عمدة الطالب، صص ۲۲۳-۲۲۵

۰۸۴. تاریخ قم، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، ص ۶۱۳

۰۸۵. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۳۷

نخست عباسیان، ص ۳۵۹؛ راویان امام رضا در مسندالرضا، ص ۲۸۰

۰۵۱. امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ص ۲۵۴

۰۵۲. تاریخ طبری، ج ۳، صص ۹۷۶-۹۸۸

الکامل فی التاریخ، ج ۶، صص ۲۱۴-۲۱۶

۰۳۶۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۷۲-۷۴؛ امامان شیعه و

جنبش‌های مکتبی، صص ۲۵۵-۲۶۰

مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان، صص ۳۵۰-۳۵۳

۰۵۳. الارشاد فی معرفة الحج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۱۴

۰۵۴. رجال شیخ طوسی، صص ۲۳۹-۳۴۴

۳۵۹، ۳۸۸، ۴۰۰ و نیز فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۱

۰۵۵. رجال ابن داوود، ص ۲۳۸

۰۵۶. رجال نجاشی، ص ۱۷۶

۰۵۷. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، صص ۳۲۲-۳۲۵

۰۵۸. رجال علامه حلی، ص ۹۲

۰۵۹. سُرالسلسله العلویه، صص ۴۸-۴۹

۰۶۰. عمدة الطالب، صص ۲۲۲-۲۲۳

۰۶۱. مجموعه رسائل، ص ۱۰۰

۰۶۲. بحار الانوار، ج ۴۷، صص ۲۴۴-۲۴۵

۰۶۳. شناخت نامه حضرت فاطمه معصومه و شهر قم، ص ۱۸

۰۶۴. امام صادق و مذاهب اهل سنت، ج ۸، صص ۲۹۸-۳۰۱

۰۶۵. بحار الانوار، ج ۴۷، پاورقی ص ۲۵۸

۸۶. تاریخ قم، صص ۶۱۵-۶۱۶
۸۷. هزار مزار ایران (مزارات قم)، صص ۱۰۲-۱۰۵؛ قم پژوهی، دفتر اول، ص ۵۱۰؛ تاریخ قم، صص ۱۳۶-۱۳۷
۸۸. مهاجران آل ابی طالب، صص ۴۳۴-۴۳۵
- ۴۳۵؛ نجوم السرد بذكر علمای یزد، ص ۲۱۹؛ تاریخ یزد، ص ۱۳۰
۸۹. یادگارهای یزد، صص ۵۵۸-۵۶۲؛ سبزویشان، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ نجوم السرد، ص ۲۱۸، ۳۸۷، ۳۸۹ و ۴۸۵
۹۰. تاریخ ناین، ص ۷۹ و ۱۲۲؛ سیمای ناین گوهر کویر، صص ۸۴-۸۵
۹۱. عمدة الطالب، ص ۲۲۲
۹۲. تاریخ اصفهان، ص ۱۸۲
۹۳. سَر السلسلة العلویه، ص ۴۹
۹۴. عمدة الطالب، ص ۲۲۳
۹۵. تاریخ قم، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، ص ۶۱۶؛ انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۴۴ و نیز جلد ۳، ص ۲۶۱
۹۶. مرآت الجنان، یافعی، ج ۲، ص ۲۴
۹۷. العبر فی خبر من غیر، ج ۱، ص ۳۵۸
۹۸. الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۰
۹۹. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۳
۱۰۰. راویان امام رضا در مسند الرضا، ص ۲۸۳
۱۰۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۷
۱۰۲. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۷۳؛ و نیز نک: بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۵۹؛ پاورقی ۱۰۳. مرآت العقول، ج سوم، ص ۳۸۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۷۱
۱۰۴. مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۳۴
۱۰۵. خلاصة المقال فی احوال الائمة و الآل، ج ۲، ص ۵۶۸؛ انوار گلستان، ج ۱، ص ۳۳۷؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، صص ۶۲۷-۶۲۸؛ تحية الزائر، صص ۱۰۷-۱۰۸؛ مجموعه رسائل، ص ۸۰
۱۰۶. دایرة المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی)، صص ۱۹۳-۱۹۴؛ آثار تاریخی سمنان، صص ۱۱۷-۱۲۱
۱۰۷. دایرة المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی)، صص ۱۹۴-۱۹۵
۱۰۸. مجمع الرجال، ج ۴، ص ۱۷۱؛ امام صادق و مذاهب اهل سنت، ج ۸، ص ۲۹۹
۱۰۹. روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۱۹۱
۱۱۰. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷
۱۱۱. سَر السلسلة العلویه، ص ۴۸
۱۱۲. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۵۶
۱۱۳. خلاصة المقال فی احوال الائمة والآل، ص ۵۷۰؛ اختران تابناک، ج ۱، ص ۳۳۳
۱۱۴. مقابر قم، صص ۱۰۰-۱۰۱
۱۱۵. انوار المشعشعین، ج ۱، صص ۵۱۵-۵۱۶ و نیز همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۳۶
۱۱۶. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۲۶
۱۱۷. تحية الزائر، ص ۱۰۸

منابع:

۱. آثار تاریخی سمنان، محمد علی مخلصی، بی نا، تهران، ۱۳۵۶
۲. اثبات الوصیه، علی بن حسین مسعودی، بی نا، نجف، ۱۳۷۴ ق
۳. الارشاد، شیخ مفید، تحقیق موسسه آل البيت، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق
۴. اختران تابناک، ذبیح الله محلاتی، تصحیح محمد جواد نجفی، اسلامی، تهران، ۱۳۴۹
۵. اصول کافی، کلینی، با ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، اسوه، تهران، ۱۳۷۹
۶. اعلام الوری، طبرسی، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ق
۷. امام شناسی، سید محمد حسین حسینی تهرانی، حکمت، تهران، ۱۳۷۰
۸. امام صادق و مذاهب اهل سنت، اسد حیدر، ترجمه سید محمد باقر محدث، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۰
۹. امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، محمد تقی مدرسی، ترجمه حمید رضا آذری، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷
۱۰. انوار گلستان، سید تقی حسینی، پیک ریحان، گرگان، ۱۳۸۸
۱۱. انوار المشعشعین، محمد علی کچوی، تصحیح محمد رضا انصاری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۸۱
۱۲. تاریخ اصفهان، جلال الدین همایی،

۱۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، صص ۶۲۶-۶۲۷
۱۱۹. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۰۴
۱۲۰. مهاجران آل ابوطالب، ص ۳۰۳ و ۳۳۶-۳۳۷
۱۲۱. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۴۲
۱۲۲. خلاصه المقال فی احوال الاثمه والآل، ص ۵۷۱؛ انجم فروزان، ص ۱۸۲
۱۲۳. قم شناسی، دفتر اول، صص ۵۰۱-۵۰۲
۱۲۴. تاریخ قم، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، صص ۶۱۱-۶۱۲
۱۲۵. خلاصه المقال فی احوال الاثمه والآل، ص ۵۷۱؛ قم شناسی، دفتر اول، ص ۵۰۴
۱۲۶. تاریخ قم، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، پاورقی مصحح، ص ۶۱۱
۱۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، صص ۶۲۷-۶۲۸
۱۲۸. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۳۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰

۱۳. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، تصحیح جلال الدین تهرانی، کتابخانه مجلس، تهران، بی تا

۱۴. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، تصحیح محمدرضا انصاری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۸۵

۱۵. تاریخ ناین، سید عبدالحججه بلاغی، مظاهری، تهران، ۱۳۶۹ق

۱۶. تاریخ یزد، جعفر بن محمد جعفری، بی نا، تهران، ۱۳۴۳

۱۷. تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵

۱۸. تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، مطبعه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۲ق

۱۹. توضیح الملل، محمد شهرستانی، تحریر مصطفی هاشمی، اقبال، تهران، ۱۳۷۳

۲۰. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار صادر، بیروت، ۱۳۹۳ق

۲۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م

۲۲. حیات الامام موسی بن جعفر، باقر شریف قریشی، دارالبلاغه، بیروت، بی تا

۲۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱

۲۴. خلاصة الاقوال فی احوال الائمة و

الآل، عباس فیض، چاپخانه قم، ۱۳۳۰

۲۵. درخت طوبی، گروه تراجم و انساب آستان قدس رضوی، با اشراف غلامرضا جلالی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۰

۲۶. دیوان نقابت، محمد هادی خالقی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷

۲۷. دایرة المعارف بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸

۲۸. راویان امام رضا در مسندالرضا، عزیزالله عطاردی، کنگره حضرت امام رضا، مشهد، ۱۳۶۷

۲۹. رجال کشی، شیخ طوسی، بی نا، مشهد، ۱۳۴۸

۳۰. رجال علامه حلی، رضی، قم، ۱۴۰۲ق

۳۱. روضة الشهداء، ملا حسین کاشفی، تصحیح ابوالحسن شعرانی، اسلامیه، تهران، بی تا

۳۲. روضة المتقین، محمد تقی مجلسی، بی نا، قم، ۱۳۹۹ق

۳۳. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸

۳۴. سُر السلسله العلویه، ابی نصر بخاری، تعلیقات سید محمدصادق بحر العلوم، مطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق

۳۵. سفینه البحار، عباس قمی، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۵۴
۳۶. سیمای نابین، غلامرضا گلی زواره، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳
۳۷. شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۳۸. شناخت نامه حضرت فاطمه معصومه، علی اکبر زمانی نژاد، زائر، قم، ۱۳۸۴
۳۹. صفحاتی از زندگی امام جعفر صادق، محمد حسین مظفر، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، رسالت، تهران، ۱۳۶۷
۴۰. ظهر الاسلام، احمد امین، مطبعة الحلبي، قاهره، ۱۹۵۶م
۴۱. عمدة الطالب، ابن عنبه، انصاریان، قم، ۱۴۱۷ق
۴۲. فرق الشیعه، نوبختی، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، مطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۵۵ق
۴۳. فرهنگ جامع سخنان امام هادی، پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، ۱۳۸۴ق
۴۴. الفصول المختاره من العیون والمحاسن مکتبة الداوری، قم، بی تا
۴۵. قرب الاسناد، عبدالله حمیری، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۰
۴۶. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، اسلامیه، تهران، بی تا
۴۷. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دارصادر، بیروت، بی تا
۴۸. مثنوی، مولوی، طلوع، تهران، ۱۳۵۴
۴۹. مجمع الرجال، عنایت الله قهپایی، بی نا، اصفهان، ۱۳۸۴
۵۰. مجموعه رسائل، گروهی از نویسندگان، زائر، قم، ۱۳۸۴
۵۱. مرآت الجنان، یافعی، موسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۰ق
۵۲. مروج الذهب، مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۷۰
۵۳. المجدی فی انساب الطایبین، نجم الدین علی علوی عمری، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۰
۵۴. مستدرک الوسائل، حسین نوری، آل البیت، قم، ۱۴۰۷ق
۵۵. مسائل علی بن جعفر و مستدرکها، تحقیق موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق
۵۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق
۵۷. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، مدینه العلم، قم، ۱۴۰۳ق
۵۸. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، علامه، قم، ۱۳۶۲
۵۹. منتهی الآمال، عباس قمی، هجرت، قم، ۱۳۷۸
۶۰. مقاتل الطالیین، ابوالفرج اصفهانی، منشورات الرضی، قم، بی تا
۶۱. مهاجران آل ابی طالب، ابراهیم طباطبای، ترجمه محمد رضا عطایی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی،

مشهد، ۱۳۷۱

۶۲. میزان الاعتدال، شمس‌الدین ذهبی،

دارالمعرفه، بیروت، بی تا

۶۳. نجوم‌السرد بذكر علماء یزد، سید

جواد مدرسی، وصال، یزد، ۱۳۸۴

۶۴. یادگارهای یزد، ایرج افشار، انجمن

ملی، تهران، ۱۳۵۴

۶۵. ینابیع المودة، سلیمان قندوزی، ترجمه

سید مرتضی توسلیان، بوذر جمهری،

تهران، ۱۳۳۷



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی